



«رستم باز / رستم بازی» و «هفت لشکر» (دو ترکیب فارسی با منشأ حماسی)

پدیدآورده (ها) : آیدنلو، سجاد

ادبیات و زبانها :: فرهنگ نویسی :: 1394 - شماره 9 (علمی-پژوهشی)

از 165 تا 171

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1080089>

دانلود شده توسط : مهدی ابراهیمی

تاریخ دانلود : 11/07/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، با به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات است. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. کسب اطلاعات بیشتر به صفحه قوانین و مقررات استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور.



پایگاه مجلات تخصصی نور

«رستم‌باز / رستم‌بازی» و «هفت‌لشکر» (دو ترکیب فارسی با منشأ حماسی)

سجاد آیدنلو (دانشیار دانشگاه پیام نور اورمیه)

در زبان فارسی لغات، ترکیبات، تعبیر، کنایات و امثال گوناگونی هست که با استفاده از نام‌ها و داستان‌های حماسی مذکور در شاهنامه و دیگر منظومه‌ها و متون پهلوانی ساخته شده‌است و دریافت معنای درست و دقیق و خاستگاه و علت ایجاد و رواج آن‌ها جز با توجه به این آثار و روایات ممکن نیست. این حوزه از جامعه‌شناسی زبان فارسی هنوز مورد بررسی کامل قرار نگرفته و نیازمند تأملات بیشتر صاحب‌نظران است. در این یادداشت به دو ترکیب نادر فارسی می‌پردازیم که منشأ و معنای آن‌ها برگرفته از نام‌ها و سنت‌های حماسی است.

۱. رستم‌باز / رستم‌بازی

استاد بهرام بیضایی در صفحه آغازین گزارش خویش از داستان آرش نوشته‌است «روایت برای روایت، برای رستم‌بازی [تأکید از نگارنده است] و دیگر اجراها» (بیضایی ۱۳۷۳، ص ۳). چند سال بعد دکتر ثمنینی پس از نقل این عبارت، درباره ترکیب «رستم‌بازی» توضیح داده‌است «احتمالاً منظور از رستم‌بازی، گونه‌ای نقالی است که به

نقل داستان‌های رستم مربوط می‌شود. در کتاب نمایش در ایران اثر بیضایی و دیگر منابع موجود نگارنده ردی از این عنوان نیافته‌است» (ثمنی ۱۳۸۷، ص ۳۳۹، زیرنویس). ترکیب «رستم‌بازی» و نیز «رستم‌باز» در حدود جست‌وجوهای نگارنده ظاهراً در هیچ‌یک از فرهنگ‌های فارسی رسمی (از لغت فرس اسدی تا فرهنگ بزرگ سخن) و عامیانه (امینی ۱۳۸۹؛ پرچی ۱۳۸۸؛ جمال‌زاده ۱۳۸۲؛ نجفی ۱۳۸۷) و واژه‌نامه‌ها و دانشنامه‌های تخصصی ادبیات نمایشی (آقاعباسی ۱۳۹۱؛ نظرزاده ۱۳۹۱) و همچنین متن‌های فارسی نیست و همچنان‌که از توضیح دکتر ثمنی هم برمی‌آید ترکیب نادر و مبهمی به نظر می‌رسد.

«رستم‌باز» از زبان فارسی - به احتمال فراوان، فارسی گفتاری - وارد زبان ترکی آذربایجانی شده و به‌رغم فرهنگ‌های فارسی در معدودی از فرهنگ‌های ترکی به معنای «بندباز» ثبت شده‌است (جعفرزاده ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۱۴۳؛ ORUCOV, Abdullayev, R himzad 2006, vol. 3, p. 667). وجه کاربرد و معنای ترکیب «رستم‌بازی» در زبان فارسی - که فعلاً تنها شاهد مکتوب آن عبارتی از استاد بیضایی است - و به تبع، «رستم‌باز» در ترکی آذربایجانی مقتبس از ابزار و آداب خیمه‌شب‌بازی ایرانی است. توضیح اینکه در خیمه‌شب‌بازی، عروسک پهلوانی هست که مغفری از کاسه سر دیو سپید بر سر و خفتان و بازوبند در بر دارد و «رستم» نامیده می‌شود. او رهاننده دختر شاه پریان از بند دیو (آقاعباسی ۱۳۹۱، ص ۴۵۲) و یکی از پنج شخصیت اصلی نمایش خیمه‌شب‌بازی «پهلوان کچل» است (نظرزاده ۱۳۹۱، ص ۱۱۸). احتمالاً در آیین‌ها و اصطلاحات نمایش ایرانی به گرداننده عروسک رستم در خیمه‌شب‌بازی «رستم‌باز» گفته می‌شد و از اینجا ترکیب «رستم‌بازی» مجازاً به معنای «نمایش و خیمه‌شب‌بازی» به کار رفته و «رستم‌باز» در معنی مجازی «بندباز» و «معرکه‌گیر» در زبان ترکی آذربایجانی استعمال شده‌است.

نگارنده پیشنهاد می‌کند که دو ترکیب «رستم‌باز» و «رستم‌بازی» با توضیح منشأ و معنای اصلی و مفهوم مجازی و سپسین آن‌ها در فرهنگ جامع زبان فارسی وارد شود.

شاید با جست‌وجو در پیکره زبانی غنی گروه فرهنگ‌نویسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی بتوان شاهد یا شاهد‌های دیگری نیز برای این دو ترکیب نادر یافت.

۲. هفت‌لشکر

«هفت‌لشکر» به معنای «یکی از انواع تنقلات» ترکیب عامیانه‌ای است که فقط در فرهنگ فارسی عامیانه استاد نجفی با شاهدی از کتاب باغ پرویز دوایی آمده و آن شاهد این است «هرچه او داشت یا هرچه من داشتم می‌گذاشتیم وسط. پولی اگر گیرمان می‌آمد و چیز می‌خریدیم، لواشک، آلوچه، هفت‌لشکر، هرچه می‌خریدیم با هم می‌خوردیم» (نجفی ۱۳۸۷، ص ۱۴۸۱). «هفت‌لشکر» در دیگر فرهنگ‌های فارسی عامیانه نیست و اساساً در فرهنگ‌های فارسی (چه رسمی و چه عامیانه) تاجایی که نگارنده بررسیده غیر از فرهنگ استاد نجفی فقط در فرهنگ فارسی شادروان دکتر معین آن هم با دو معنای «مجموعه هفت‌لشکر (واحد نظامی)» و کنایه از «لشکرهای بسیار» وارد شده است (معین ۱۳۷۱، ذیل ماده و نیز، والی ۱۳۸۹، ص ۳۲).

پرویز دوایی که یگانه نمونه استعمال این ترکیب در فرهنگ فارسی عامیانه از کتاب باغ ایشان است، در نامه‌ای با نام «هفت‌لشکر» ضمن یادکرد از خاطرات ایام مدرسه خود در حدود سال‌های ۱۳۲۰ در تهران، از نوعی خوردنی در بسته‌های کوچک سخن گفته است که شامل هفت گونه تنقل از قبیل تخمه، نخودچی، گندم، شاهدانه، کشمش، و توت خشک بوده و فروشنده آن‌ها را «هفت‌لشکر» می‌نامیده است (دوایی ۱۳۹۱، ص ۷). این هم توضیح و شاهد کاربرد دیگری برای «هفت‌لشکر» در معنای مورد بحث است.

«هفت‌لشکر» غیر از نوعی از تنقلات، ظاهراً بر گونه‌ای ترشی ساخته شده از سبزی‌های مختلف و کوکویی فراهم آمده از هفت ماده غذایی هم اطلاق می‌شود.^۱ این

۱. این دو ترکیب از جست‌وجو در اینترنت یافته شده است و شاهد / شواهد کاربرد مکتوب آن‌ها را باید در کتاب‌های آموزش آشپزی جست.

دو نمونه (ترشی هفت‌لشکر و کوکوی هفت‌لشکر) در فرهنگ‌های فارسی رسمی و عامیانه نیست، اما به لحاظ داشتن مضاف‌الیه توضیحی «هفت‌لشکر» و وجه تسمیه و مبنای آن، که اشاره خواهد شد، مشابه «هفت‌لشکر» منقول در فرهنگ فارسی عامیانه استاد نجفی است.

«هفت‌لشکر» یکی از مشهورترین داستان‌های سنت نقالی است که در برخی طومارها با همین نام و در بعضی دیگر بی ذکر نام آمده و در آن هفت لشکر در دشت ری صف‌آرایی می‌کنند. در یک سو سپاه ایران به سرکردگی کیخسرو ایستاده‌است و در سوی دیگر افراسیاب و یاران و هم‌پیمانان او، مانند خاقان چین، هزبر / هزبرِ بلا و رستم یک‌دست قرار دارند. در این میان یلانی چون تمور / تیمور، فرزند برزو و نبیره رستم، کوهکش که همان فرامرز پسر رستم است و نقاب بر چهره افکنده و جهان‌بخش، پسر فرامرز و نوه رستم نیز لشکر می‌آورند و با ایرانیان و تورانیان و با یکدیگر رویارو می‌شوند. روایت هفت‌لشکر پس از رویدادهای متعدد با پیروزی کیخسرو و ایرانیان پایان می‌یابد و فرزندان و فرزندزادگان رستم که همدیگر را شناخته‌اند متحد می‌شوند و افراسیاب می‌گریزد (برای تفصیل این داستان، طومار کهن شاهنامه فردوسی ۱۳۷۴، ص ۶۵۹-۷۳۸؛ طومار نقالی شاهنامه ۱۳۹۱، ص ۶۸۶-۷۸۴؛ هفت‌لشکر ۱۳۷۷، ص ۳۲۹-۴۵۴).

«هفت‌لشکر» به تأثیر از روایات نقالی در شعر رسمی فارسی نیز راه یافته و در بیتی از منظومه غزوات فندرسکی (از عصر صفوی)، شعر صحبت لاری (از شاعران دوره قاجار) و ترانه‌ای از فایز دشتی / دشتستانی (۱۲۵۰-۱۳۳۰ هجری) بدان اشاره شده‌است:

جهان داوری را ستایش سزاست کش این هفت‌لشکر به زیر لواست

(فندرسکی ۱۳۹۱، ص ۳)

آن چون شه روم و غزوه روس این رستم و جنگ هفت‌لشکر

(صحبت لاری، بی تا، ص ۱۴۹)

دل فایز فشرده تار زلفش چو رستم در نبرد هفت‌لشکر

(برگرفته از نرم‌افزار دُرچ ۴)

یکی از طومارهای کهنِ نقالی از دورهٔ قاجاری (کتابت ۱۲۹۲ هجری) «هفت‌لشکر» نامیده شده‌است^۱ و جالب‌تر اینکه در عشایر کوهگیلویه و بویراحمد، شاهنامهٔ فردوسی با نام هفت‌لشکر شناخته می‌شود (غفاری ۱۳۸۴، ص ۷۲۱) که نشان‌دهندهٔ میزان شهرت و مقبولیت این داستانِ نقالی است.

با توجه به این روایتِ معروف و محبوبِ نقالی که هفت سپاه در آوردگاه با هم مقابل می‌شوند و ترکیبی از پهلوانان گوناگون و پیکارهای پی‌درپی در آن دیده می‌شود، در تداولِ عامه خوردنی‌هایی که در آن‌ها هفت / چند نوع ماده وجود دارد «هفت‌لشکر» در معنای مجازی «پرتکیب و متنوع» نامیده شده‌است. این کاربرد گواه دیگری بر رواج نقالی در گذشتهٔ فرهنگی ایران و نفوذ و تأثیر آن بر جنبه‌های مختلفِ زبان و زندگی مردم است.

یادآور می‌شود که علت کاربردِ «هفت» در روایاتِ نقالی، اهمیتِ این عدد نزد مردمان گذشته‌است که عمدتاً با در نظر داشتن هفت طبقهٔ آسمان، ترکیبات و تقسیم‌بندی‌های فراوان و متنوعی با عدد «هفت» ساخته و در حوزه‌های گوناگون به‌کار برده‌اند.^۲ در اغلب این موارد «هفت» بر مفهومِ نمادینِ تمامیت و کمال دلالت دارد، همچنان‌که در «هفت‌لشکر» نقالی، سپاهیان بسیار و در «هفت‌لشکر» به معنای نوعی از تنقالات، ترشی یا کوکو، کثرت و تنوع مورد نظر است.

۱. منظومه‌ای به نام «هفت‌لشکر» به زبان گورانی نیز هست که دربردارندهٔ روایاتِ نقالی و پهلوانی است و به تصحیح و ترجمهٔ دکتر آرش اکبری مفاخر منتشر خواهد شد.

۲. برای آگاهی کامل دربارهٔ اهمیتِ «هفت» در فرهنگ و تمدنِ بشری و ترکیبات و تقسیم‌بندی‌های مبتنی بر آن، احمد آقاشریف، اسرار و رموز اعداد و حروف، تهران، نشر شهید سعید محبی، چاپ دوم، ۱۳۸۴، ص ۱۳۵-۱۶۳؛ احترام‌السادات حسینی شکرایی، نقش اعداد از باستان تا کنون، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۱-۱۸۶؛ ژان شوالیه و آلن گربران؛ فرهنگ نمادها، ترجمهٔ سودابه فضایی، تهران، جیحون، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۵۷۶-۵۵۷؛ آنه ماری شیمل، راز اعداد، ترجمهٔ فاطمه توفیقی، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۸، ص ۱۴۱-۱۶۹؛ زهره والی؛ هفت در قلمرو تمدن و فرهنگ بشری، تهران، اساطیر، چاپ دوم، ۱۳۸۹.

نکته دیگر اینکه در دو روایت مذهبی، «هفت‌لشکر» شمار سپاهییانی است که به ترتیب با امام علی (ع) و در آخرالزمان با حضرت مهدی (عج) رویارو می‌شوند و شکست می‌خورند (برای این دو روایت، والی ۱۳۸۹، ص ۲۶۴)؛ لذا این احتمال را هم نباید نادیده گرفت که شاید پردازندگان روایات نقلی و داستان‌گزاران، که به‌ویژه در عصر صفوی ضمن داستان‌های ملی - پهلوانی به پسندهای دینی و مذهبی شنوندگان هم توجه داشتند و می‌کوشیدند به شیوه‌های مختلف پیوندی میان اشخاص و عناصر ملی و دینی - مذهبی ایجاد کنند، در ساختن روایت و ترکیب «هفت‌لشکر» گوشه چشمی هم به این گزارش‌های مذهبی داشته‌اند و به تقلید از این الگو که امامان شیعه «هفت‌لشکر» را شکست می‌دهند داستانی ساخته‌اند که در آن کیخسرو پادشاه آرمانی و اهورایی ایران در نبرد «هفت‌لشکر» پیروز می‌شود.

منابع:

- آقا عباسی، یدالله (۱۳۹۱)، دانشنامه نمایش ایرانی، قطره با همکاری دانشگاه باهنر کرمان، تهران.
 امینی، امیرقلی (۱۳۸۹)، فرهنگ عوام، به کوشش غ. صدری‌افشار و م. کاظم‌زاده، مازیار، تهران.
 بیضایی، بهرام (۱۳۷۳)، آرش، نیلوفر، تهران، چاپ چهارم.
 پرجمی، محبالله (۱۳۸۸)، فرهنگ شفاهی سخن، به سرپرستی دکتر حسن انوری، سخن، تهران.
 ثمنی، نغمه (۱۳۸۷)، تماشاخانه اساطیر (اسطوره و کهن نمونه در ادبیات نمایشی ایران)، نی، تهران.
 جعفرزاده، اسماعیل (۱۳۸۹)، فرهنگ ترکی آذربایجانی ارک، احرار، تبریز.
 جمال‌زاده، محمدعلی (۱۳۸۲)، فرهنگ لغات عامیانه، به کوشش محمدجعفر محبوب، سخن، تهران، چاپ دوم (اول برای ناشر).
 دوایی، پرویز (۱۳۹۱)، «نامه‌ای از پراگ: هفت‌لشکر»، جهان کتاب، سال ۱۷، شماره ۳-۵ (پیاپی ۲۷۷-۲۷۹)، خرداد - مرداد، صفحه‌های ۷-۹.
 صحبت لاری (بی تا)، دیوان، کتابفروشی معرفت، شیراز.
 طومار کهن شاهنامه فردوسی (۱۳۷۴)، به کوشش جمشید صداقت‌نژاد، دنیای کتاب، تهران.
 طومار نقلی شاهنامه (۱۳۹۱)، مقدمه، ویرایش و توضیحات: سجاد آیدنلو، به‌نگار، تهران.

غفاری، یعقوب (۱۳۸۴)، «موسیقی در کوهگیلویه و بویراحمد»، پژوهش‌های ایران‌شناسی، به کوشش ایرج افشار با همکاری کریم اصفهانیان و محمدرسول دریاگشت، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، تهران، جلد ۱۶ (ستوده‌نامه)، بخش ۲، صفحه‌های ۷۱۸-۷۲۴.

فندرسکی، میرزا ابوطالب (۱۳۹۱)، غزوات، تصحیح علیرضا عبداللهی کچوسنگی، کتابخانه مجلس، تهران.

معین، محمد (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی، امیرکبیر، تهران.

نجفی، ابوالحسن (۱۳۸۷)، فرهنگ فارسی عامیانه، نیلوفر، تهران.

نرم‌افزار دُرُج ۴ (۱۳۹۰)، (بزرگ‌ترین کتابخانه الکترونیک شعر و ادب فارسی، ۲۳۶ اثر نظم و نثر ادبی)، موسسه فرهنگی مهر ارقام ایرانیان، تهران.

نظرزاده، رسول (۱۳۹۱)، فرهنگ واژه‌های نمایش‌های ایرانی، افراز، تهران.

والی، زهره (۱۳۸۹)، هفت در قلمرو تمدن و فرهنگ بشری، اساطیر، تهران، چاپ دوم.

هفت‌لشکر (طومار جامع نقالان) (۱۳۷۷)، تصحیح مهران افشاری - مهدی مداینی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.

Orucov, liheyd r, B hruz Abdullayev, N rgiz R himzad (2006), *Azərbaycan Dilinin*

Izahli Lüğəti, Baki.